

جلسه هفتاد و پنجم

صورت مشروح مجلس  
یوم پنجشنبه هفتم عقرب  
یکهزار و سیصد و سه  
مطابق اول شهر ربیع -  
الثانی یکهزار و سیصد و  
و چهل و سه

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر  
بر ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل  
گردید.

(صورت مجلس سه شنبه پنجم عقرب  
را آقای اقبال الممالک قرائت نمودند)  
رئیس - آقای قائم مقام الملك  
(اجازه)

قائم مقام الملك - بنده را گویا  
جزء غائبین بدون اجازه نوشته اند در صورتی  
که شرحی بحضور ریاست نوشته بودم و اجازه  
خواسته بودم.

رئیس - از کمیسیون تحقیق میشود  
چنانچه اجازه داده باشند اصلاح میشود.  
آقای نصرت الدوله  
(اجازه)

نصرت الدوله - بنده راجع  
بصورت مجلس عرصی ندارم بعد از تصویب  
صورت مجلس و قبل از دستور عرضی دارم  
رئیس - راجع بصورت جلسه دیگر  
ایرادی نیست؟  
(گفته شد - خیر)

رئیس - پریروز که بجهتی ممکن نشد  
جلسه تشکیل شود گفته بودم بعضی آقایان  
برسانند که جلسه تشکیل نخواهد شد یکی  
از پیشخدمتها اشتباهی کرده بوده است و  
خودش آمده بوده و آقایان اطلاع داده  
بوده است از این سوء اتفاق از آقایان  
عذر میخواهم.

آقای نصرت الدوله  
(اجازه)

نصرت الدوله - البته نظر آقایان  
هست که در جلسه گذشته در ضمن اظهارات  
آقای شریعت زاده يك اشاراتی  
پا بلکه يك تصریحاتی راجع  
ببنده بود و بنده هم تقاضا کردم که جوابی  
بایشان داده باشم و موکول ببعد از تنفس  
شد و بطوریکه حالا از طرف مقام محترم  
ریاست اظهار شد بعد از تنفس هم جلسه  
تشکیل شد و بنده نتوانستم اینجا عرایض  
خود را بمرض آقایان برسانم.

اولا بنده خاطر محترم آقایان را  
متذکر میکنم باینکه آقایانی که در دوره  
چهارم با آنها شرف همکاری داشته همه طرز  
واسلوب بنده را میشناسند و آقایان دیگر  
هم گمان میکنند در این مدت قلیل همکاری  
یافته باشند که بنده در قضایا خیلی خون سرد  
هستم و مصیبتی نمیشوم.

مایل و مصدق حملات شخصی هم نیستم  
ولی البته خیلی از آقایان و گمان میکنم  
خود معترض هم بمن حق میدهد که اگر

نسبت بمن و نسبت بحیثیت و شرافت خدمت  
و کار بر من يك سوء تفاهم است یا يك  
اظهاراتی بشود آنها را اصلاح کنم.  
فقط از این نقطه نظر است که بنده  
میخواهم يك توضیح خیلی مختصری بدهم  
و اگر آقای شریعت زاده در همان زمینه  
کلیاتی که اظهار کردند مذاکرات خود را  
محدود میکردند البته هیچ مورد اعتراض  
نبودند.

مسلم است در هر مملکتی برای اینکه  
تمام مؤسسات از روی صحت بچریان افتد  
باید تمام اصول کار کردن ممکن شود و اگر  
در مملکت ما در جزه نواقص و نقایص دیگر  
هنوز یکی از ارکان مهم اداره کردن  
مملکت که عبارت از تشخیص دادن و مشغض  
نمون مسؤلیت زمامداران کارهای عمومی  
است نبوده و بیک صورت صحیحی تعیین  
نشده البته وظیفه هر اصلاح خواه و هر اصلاح  
طلب و وظیفه هر مجلس شورای ملی است  
که درصدد باشد و این تقیصه را رفع  
کند.

چنانکه در مجلس چهارم هم همین  
همین نظری بود و يك لایحه قانونی برای  
برای محاکمه وزراء به مجلس آمد.

برای اینکه در قانون اساسی محکمه  
که صلاحیت این کار را دارد تشخیص شده  
است و آن محکمه تمیز است ولی قانون  
طرز محاکمه و اشخاص و مرکز که صلاحیت  
طرح و اقامه دعوی ندارد تشخیص نشده و از  
قوانینی است که هنوز طرح و تصویب نشده  
است پس البته هیچ اعتراض باین قضیه  
نیست.

اما تطبیق يك کلی در مورد يك فرد  
در مجلس از ناحیه يك وکیل در صورتی که  
طرف هم وکیل است و مطابق نظامنامه هم  
سؤال از يك وکیل و استیضاح از يك وکیل  
مجاز نیست.

از بدو مشروطیت الی یومنا هذا  
کابینه های مختلف و ادوار مختلفه و فترتهای  
مختلف وزراء مختلف بوده اند و در میان  
همه اینها تطبیق دادن يك کلی بیک فرد  
خاص البته بیک قدری مطلب را از صورت  
عمومیت خودش خارج میکند و بیک صورت  
خصوصی در میآورد.

این قسمت را از نقطه نظر جریان  
قانون و از نقطه نظر نظامات برای تذکر  
عرض کردم و همانطور که آنروز در ضمن  
توضیح مختصری که دادم عرض کردم  
نمیخواهم آقایان تصور کنند که بنده از  
نقطه نظر قانون در یک اشتباهی هستم و آن  
اشتباه این باشد که مجلس شورای ملی را  
دارای صلاحیت از برای محاکمه میدانم  
یا اینکه يك وکیل یا یکمده از وکلای  
دارای صلاحیت اقامه دعوی در موضوع  
مسؤلیت يك وزیر یا يك رئیس الوزراء  
میدانم.

بنده این اظهارات را يك نوع  
اظهارات سیاسی تلقی کردم که تعرض  
خصوصی است در ضمن يك مسائل عمومی  
که با آن مسائل عمومی هم کاملاً موافق و  
البته محتاج بتوضیح نیست و آقای شریعت-  
زاده هم در این مجلس فعلی از اول حاضر  
بودند و مسبق هستند که هم در دوره  
چهارم هم در دوره پنجم در موقعی که  
اعتبارنامه بنده مطرح بود.

در موقعی که از نقطه نظر تشخیص  
صلاحیت و عدم صلاحیت يك وکیل شاید  
مورد داشت و جا داشت که این حرفها در  
اطراف صلاحیت و عدم صلاحیت زده بشود  
تمام این اظهاراتی که ایشان حالاً متذکر  
شدند و یادشان آمد آنها را دیگران در  
آن موقع گفتند و من هم جوابهایی دادم و  
مجلس هم در آن موقع که صالح از برای  
يك قضاوتی بود.

(باز عرض میکنم از نقطه نظر اعتبارنامه  
و صلاحیت يك وکیل)

قضاوت خود را در دو موقع کرده و  
بطوریکه سابقاً هم اشاره کردم از آنجائی  
که در این مملکت چرخهای مملکتی درست  
در جریان نیست شاید بشود فرض کرد که  
بنده انتظار دارم در يك دوره دیگر هم یعنی  
در دوره ششم مجلس باز همین مسائل را  
دوباره مذاکره و تکرار کنم.

باری نمیخواهم بگردم و مشخص کنم  
که آن موجبات و عللی که همکار مرا و ادار  
کرد که يك همچو اظهاراتی بنمایند چیست  
و بطوریکه عرض کردم اخلاقاً بنده درصدد  
هیچ نوع حمله و تعرض نیستم و مخصوصاً قائل هستم  
که مخصوصاً باین همکاری در مجلس ما باید  
همیشه سعی کنیم که حافظ حیثیات همدیگر  
باشیم.

این اعتراضات من از نقطه نظر  
اعتراضات اصولی و قانونی و اظهارات تعجبی  
بود و چنانکه عرض کردم مسائلی که با آنها  
اشاره شده است آنها را در موقع خودش  
بنده جواب گفته ام و برای خودم هم امروز  
در اینجا هیچ الزامی نمی بینم که جواب  
بگویم زیرا باید اصول را حفظ کرد.

الزام در مقابل يك مرکز صالح و در  
مقابل اقامه يك دعوائی است است که از  
يك مرکزی باشد که صلاحیت اقامه دعوی  
را قانوناً داشته باشند و من هیچ نوع  
الزامی برای خود نمی بینم که اظهاری بکنم  
و شاید اگر انشاء این مسئله را من میکردم  
خودم ملامت خارج از موضوع بودن و  
اتلاف وقت مجلس شورای ملی را بواسطه  
این اعتراض بخودم میکردم

ولی با اینحال يك جمله مختصری از  
عرایض سابق خود را تکرار میکنم و بعد  
هم از مزاحمتی که به آقایان دادم عذر میخواهم  
مکرر بنده گفته ام و این دفعه دفعه آخری

است که اظهار میکنم  
بنده تکذیب کرده و میکنم و تکذیب  
خواهم کرد هر نوع عنوان و اسنادی بنده  
داده شود راجع باینکه پولی گرفته باشم  
بغیر دولت ایران و بموجب سند و قبض  
ذمه و بطوریکه عرض کردم این قسمت را همیشه  
تکذیب میکنم و هر محکمه صالحی برای رسیدگی  
باین کار باشد بامدرک و سند مدعی خود را  
در آنجا اثبات میکند در قسمت ثانی این  
مطلب يك مطلب کوچک بی اهمیتی است  
نه پلتیکی است و نه سیاسی.

نه مربوط بداخله است و نه مربوط  
بخارجه و اگر بنده پولی از دولت برای  
مباشرت يك خرجی گرفته ام وزیر هستم  
باشم رئیس الوزراء هستم باشم.  
هیچ چیز نیستم نباشم فقط يك مباشر  
جمع و خرج را دارم و مثل کوچکترین  
مباشرادرات دولتی.  
همان معامله را که با او میکنند باید  
با من بکنند چنانکه الان هم دارند میکنند  
این مسئله اصولی نیست تحقیقی نیست  
نظری نیست سند است و رقم است  
و عدد.

مرکز صالحه اش هم معلوم و معین  
است با وزارت خارجه و با وزارت مالیه است  
و بعد از مطابقه اگر باقی دارد باید از  
مباشر بگیرند و اگر فاضل دارد باید باو  
بدهند و اگر هم ندهند بگروزی میآیند  
مشخص میشود این یکی از چیزهای خیلی  
عادی و ساده و قابل هیچ حرف هم نیست  
و بملایم يك چیز دیگری را هم اینجا  
عرض میکنم.

بنده در مراحل زندگی خودم مسؤلیت  
وزارت داشته ام و شرکت در زمام داری  
امور این مملکت هم کرده ام و بنده در هم  
خود برای تمام مدت مسؤلیت و برای تمام  
اعمالی که در حوزه مسؤلیت خودم کرده ام  
هر مسؤلیتی در مقابل جامعه ایرانی و مادر  
مقابل مملکت ایران باشد باید عهده دار  
باشم و در مقابل هر کس که صلاحیت رسیدگی  
داشته باشد نه تنها من بلکه بمقیده من  
تمام وزراء این مملکت از بدو مشروطیت تا  
کنون به همین حال هستند.

رئیس الوزراء و وزیر و هر وقت يك  
محکمه باشد که بخواهد تشخیص بدهد که  
ایشان آیا در موقعی که زمامدار بوده اند  
اختیارات و اقتدارات خودشان بر صلاح  
این مملکت و این جامعه اعمال کرده اند یا خیر  
باید حاضر شوند و جواب بدهند.

اگر نتوانستند جواب بدهند که بروق تکلیف  
خود رفتار کرده اند فیها و الا هر مسؤلیتی  
را که قانون برای آنها پیش بینی میکند با  
گمال رشادت و شهامت باید حاضر باشند  
این بود عرایض بنده و خیلی عذر میخواهم  
از این اتلاف وقتی که از آقایان کردم و  
امیدوارم که هیچ توطئه و هیچ بهانه و هیچ  
عنوان و هیچ حمله بنده را با اینجا برنگرداند  
که این مسائل را تکرار کنم مگر اینکه يك  
مرکز صالحی پیدا شود و اینها را از من و

دوره

امثال من بیرسد آن وقت هر جوابی باید بهم بآنها خواهم داد.

زعیب- داخل در دستور شویم.  
ناصرالاسلام- آقا يك جمله منطقی گفتند.

ضیاءالواعظین- اجازه هائی خواسته شده است.

جمعی از نمایندگان- ای موضوع مطرح نیست.

رئیس- اینمطلب که جزء دستور نیست آقای زعیب

(اجازه)

زعیب- بنده عرضی ندارم.

رئیس- آقای ضیاءالواعظین

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب- گویا در اینموضوع میخواهند مذاکره کنند خوب است داخل در دستور شویم.

رئیس- از کجا میدانید در اینموضوع میخواهد صحبت کنند؟ ولی اگر بخواهید جزء دستور کنید مطلب حلجده ای است.

ضیاءالواعظین- رأی بگیرید.

رئیس- آقای ناصرالاسلام.

(اجازه)

ناصرالاسلام- بنده با آقایان موافقت میکنم که وارد در دستور شویم اما

تقاضا میکنم يك جلسه برای رسیدگی باین قسمتهائی که شاهزاده با قوت قلب فرمودند معین شود بنده قویا تکذیب

میکنم و با اسناد آنها را اثبات میکنم

رئیس- آقای ملک الشعراء

(اجازه)

ملک الشعراء- بنده در همینموضوع عرایضی داشتم.

رئیس- آقای مشارعظم

(اجازه)

مشارعظم- عرضی ندارم.

رئیس- آقای شریعت زاده

(اجازه)

شریعت زاده- میخواستم راجع به اظهارات شاهزاده نصرت الدوله که در ضمن توضیح اظهارات بنده بیان کردند توضیحاتی

بهمم و چون فرمودید جزء دستور نیست امید وارم يك موقعی جزء دستور بشود و بنده عرایضی بکنم که رفع اشتباه ایشان

شود.

رئیس- وارد دستور میشویم. پیشنهاد آقای داور مطرح است.

آقای ضیاءالواعظین

(اجازه)

ضیاءالواعظین- بنده در کلیات موافقم.

رئیس- اگر موافقت پس بکنم دیگر حرف بزند.

آقای یاسائی

(اجازه)

یاسائی- پیشنهادی را که آقای داور

متضمن بعضی مواد راجع باقتصادیات فرموده اند.

داور- يك قدری بلندتر بفرمائید. یاسائی- این پیشنهادی را که جناب عالی

در تحت موادی چند راجع باقتصادیات فرموده اید بعقیده بنده بیش از يك مفاهیم و کلیاتی که دیگران هم گرا را گفته اند چیزی نیست.

این مفاهیم و کلیات را با اصطلاح اهل منطق و میزان از مرتبه جنس ایشان آورده اند بمرتبه نوعی و يك موادی است

که بنظر بنده عملی در نمیآید و همانطور که حکومت ها و دولت های وقت گرا را کمیسیونهائی

برای اینگونه امور تشکیل داده اند و مدتی وقت تلف کرده اند و بالاخره نتیجه نگرفته اند و البته قضیه تشکیل کمیسیونها را در

وزارتخانه ها دیده یا شنیده اید و هیچ نتیجه از این کمیسیونها حاصل نشده است و بعقیده بنده در مجلس شورای ملی هم اگر تشکیل

اینگونه کمیسیونها و تهیه اینگونه مفاهیم کلی جریان داشته باشد بجائی نخواهد رسید.

منتها وقت یکعده تلف خواهد شد و وقت مجلس شورای ملی هم تلف خواهد شد.

اگر آقایان متوجه شوند بنواقصی که در کار تشکیلات حکومتی ما موجود است بعقیده بنده بهتر از اینست که نظرشان

را باینگونه مفاهیم کلی بیندازند. مسلماً سیاست عادلانه مقدم بر اقتصادیات است و مادام که ارکان و قوایم سیاست در

مملکت محکم نشود مذاکره در اطراف یکنوع اقتصادیات لزوم و احتیاجی ندارد

زیرا اگر در دست مردم يك قسمتهائی بعنوان دارائی باشد آن سیاست و آن حکومت نمیتواند آنرا حفظ کند

این موضوع شبیه است باینکه بنده حفظ عباى خود را بقضا و قدر واگذار کنم و بروم درصدد تحصیل يك عباى دیگری

برایم در مملکت ما يك چیز هائى فعلا هست و آقایان نمایندگانى که از ولایات آمده اند مسبقند.

مملکت ما يك مملکتی است فلاحتی مثل مملکت رمانی و ما باید از عوائد فلاحتی يك استفاده هائی بکنیم و يك صادراتی تهیه کنیم که بتواند با واردات موازنه نماید.

مولدین ثروت در این مملکت اشخاص و طبقاتی هستند که فوق العاده در تحمیل و فشار سیاست هستند.

این عرضی که میکنم تنها منظورم حکومت حاضر و دولت وقت نیست زیرا بنده از طرف داران حکومت حاضر هستم

ولی اساساً طرز تشکیلات مملکتی طوری شده است که بضرر مولدین ثروت تمام میشود.

اگر ما متوجه شویم باینکه يك اصلاحات اداری در این مملکت بشود بهتر از اینست

که وارد در مذاکره این نوع مسائل بشویم.

در این مملکت امنیت نیست. امنیت قضائی نیست. در این مملکت جان و ناموس و مال هیچکس در امان نیست

(همهمه بین نمایندگان)

آقاسید یعقوب- آقا اینطور نیست که میفرمائید کاملاً امنیت هست. این چه فرمایشی است که در مجلس میفرمائید امنیت نیست !!

(صدای زنگ رئیس)

یاسائی- بنده عرض نکردم بطور کلی امنیت نیست بنده عرض میکنم که در این مملکت امنیت نبوده و نیست منتها از

زمان زمداری رئیس الوزرای کنونی يك نوع امنیتهائی در این مملکت پیدا شده است.

(همهمه بین نمایندگان)

یاسائی- خواهش میکنم آقایان اجازه بدهند بنده عرایضم را عرض کنم ممکن است سوء تفاهمی بشود رفع کنم.

بیشتر از افراد این ملت از طبقه فلاح و زارع هستند و قسمت بر جسته مولدین ثروت در این مملکت همانها هستند و آنها هم از ناحیه حکومت فوق العاده در فشار و

مضیقه هستند و بنده بطور کلی عرض میکنم يك نفر دهقان را که ما انتظار ایجاد ثروت از او داریم باید طوری حفظ کرد و دارائی کم او را باید طوری مواظبت نمود که

بتواند درصدد ازدیاد ثروت بر آید این است که وارد در مذاکره يك کلیاتی بشویم. يك فقر رعیت باید سر باز تهیه کند مالیات

خانوارى بمالیه بدهد یکمرتبه هم سر باز از او میخواهند باید صد تومان الی سصد تومان پول تهیه کنند تا اینکه يك نفر

سر باز فرستد این قسم تحمیلات بطبقات برجسته این مملکت میشود اما طبقاتی که ایجاد ثروت نمیکند و طبقاتی که با اقتصادیات

کمک نمیکند آنها از این تحمیلات معافند ولی آنهاىیکه در ایجاد ثروت ذی دخل هستند فوق العاده در فشار و زحمت

هستند.

دیگر اینکه در غالب ولایات از سی یا چهل سال قبل يك نوع ممیزی شده است و البته در آن موقع شاید آن ممیزی عادلانه بوده از آن تاریخ تا کنون هیچ نوع ممیزی

در این مملکت نشده و غالب قراه و مزارع بواسطه عادلانه نبودن میزان مالیات بکلی

ویران شده است و اهالی آن قراه هم بکلی از بین رفته اند و آن مالیات کماکان از آنها گرفته میشود در صورتیکه از روی

حق و عدالت نیست.

و همچنین گرفتن سر باز مالیات خانوارى و گرفتن وجوه استرضائی بکنفر

نظامی که بمرکز فرستند و گرفتن مالیات از روی ممیزهای چهل سال قبل در صورتی

که محل استعداد تأدیبه این گونه مالیاتها را ندارد ولی يك مهلهائى هم هست که جدید الاحداث است و دیناری مالیات بدولت نمیدهند اینها يك چیز هائى است که طبقه فلاح و دهقان را از یا در آورده است و آنها را دچار فقر و فاقه و پریشانی نموده.

همانهاى که انتظار ایجاد ثروت از آنها داریم و همانهاىیکه عامل مهم تولید ثروت در این مملکت هستند برای اینکه عرض کردم مملکت ما مملکت فلاحتی است پس ما اگر بجای اینکه وارد در اینگونه مذاکرات

شویم اگر در گذراندن قانون ممیزی تسریع کنیم یا در گذراندن قانون نظام اجبارى تسریع کنیم که برای مملکت فوق العاده

لارمست و این تحمیلات مالیاتی و نظامی را تا اندازه از دوش فلاحین و دهاقین برداریم و متوجه عموم مردم بشود خیلی

بتر است و اینکه عرض کردم در این مملکت امنیت نیست و بعضی از آقایان تعرض کردند

اگر توضیح بدهیم گمان میکنم قانع بشوند اساساً تشکیل حکومت بطور مستقیم برای ایجاد امنیت و عدالت

در داخله مملکت و حفظ استقلال آن ملت است.

حالا معارف و پست و تلگراف و سایر وزارتخانه ها بعقیده من تشکیلات اهدادی است و سیاست مملکت ظهورش در يك

تشکیلات مخصوصه است مثل عدلیه - امنیه - نظمی - حتی اداره قشونی و تشکیلات نظامی هم جزء تشکیلات اهدادی است

و این ثلثی است معروف میگوبند: دولتها و حکومتها بوسیله مالیه و شعب

آن از ملت پول میگیرند و توسط عدلیه و صنایع هدلیه باید بملت رد کنند سایر مؤسسات

همه در حکم کمک و امدادی هستند دولت و حکومت از دیر باز بنایش بر این بوده است

که در موقع اخذی و گرفتن از ملت يك پد های طولی داشته ولی در موقع استرداد

حق ملت قبض پد غریبی دارد برای گرفتن از ملت ۷ کرو رو نیم یا هشت کرو رو را بمبایمه تخصیص میدهند برای جمع آوری

عایدات از فقرا و ضعیف و اشخاصی که هیچ طاقت و استطاعت پرداخت مالیات ندارند

ولی در موقع استرداد و رد کردن حق آن ها که باید بوسیله امنیه بشود آنوقت بودجه امنیه چقدر است؟

يك کرو رو در این مملکتی که تقریباً يك تنش را ایلات تشکیل میدهند در این مملکتی که غالب اهالیش مسلح هستند

بودجه امنیه این مملکت يك کرو رو بیشتر نیست و همینطور بودجه نظمی آن و در غالب نقاط مؤسسات قضائی نیست.

حالا اگر اعتراضاتی بمعدلیه و تشکیلات و جریانات عدلیه باشد منافی عرض بنده نیست.

مثلاً ما بگونه مدارس امروزه بهتر از مکانیپ قدیمه است و اگر نواقص در مدارس



باشد باید رفع کرده اینک بر گردیم بهمان مکتب قدیمه .  
 پس يك بودجه ۴۶ كرور يا ۴۸ كرورى كه دولت بر ملت تحميل کرده است باید تقسیماتش هم طوری باشد که عادلانه باشد و بفتح مردم تمام شود و بالاخره امنیت را برای افراد آن ملت تهیه کند .  
 البته اگر امنیت در طرق و شوارع نباشد این ثروت موجوده را نمیشود حفظ کرد چه رسد باینکه ما برویم و يك ثروتهائی از نو تهیه کنیم اگر امنیت قضائی نباشد همینطور که حالا هم نیست ثروتهای موجوده را نمیشود حفظ کرد و وقتی امضای اشخاص اعتبار نداشت وقتی اعتبارش خود حکومت در نزد مردم اعتبار نداشت وقتی که دولت يك اسنادی در دست مردم داد و افلا خود را باندازه يك تاجر معتبر فرض نمیکند اولان مقدار زیادی از این اسناد زنده موجود است .  
 از سورجی و مهتر و نملیند گار بگانه دولتی که اداره حمل و نقل داده و امضای خودش را حفظ نمیکند و برای پرداخت اموال مردم به سامعه و ماطله میگنزانند در این مملکت امنیت قضائی نیست .  
 در این مملکت قانون دعاوی بردولت نیست .  
 مردم اگر ادعاها و شکایاتی دارند بروند کجا نظم کنند و اقامه دعوی نمایند و حق خود را استقامت کنند ؟  
 بعقیده بنده وارد شدن مجلس شورای ملی در وضع يك سلسله قوانین کم فوق العاده مفید و مهم است از قبیل قانون نظام اجباری - قانون ممیزی عمومی - قانون مجازات قانون تجارت و سایر قوانین که در نظر آقایان هست و قانون وضع مالیات رعایات و الغاء مالیات سرشاری و خانواری و غیره و از این قبیل کارها بعقیده بنده برای حفظ ثروت افراد ملت و مساعدت و تشویق آنها به اینکه درصد ازدیاد ثروت بر آید بهتر و مفیدتر است .  
 از این ترتیب که شما پیشنهاد میفرمائید .  
 امروز همه شماها میدانید که اطمینان و اعتماد بواسطه نبودن امنیت قضائی در این مملکت در مابین افراد مردم نیست .  
 هیچ اطمینان و اعتماد در مابین افراد بواسطه اینکه امنیت قضائی نیست این عدم اطمینان البته تصدیق میکنید که ناچه اندازه در معاملات جاریه مردم که یکی از شب معیشت اقتصادی این مملکت است تأثیر دارد .  
 بنده باین مفاهیم و کلیات نمیخواهم از نقطه نظر کلیتش مخالفت کرده باشم مثلاً اینجا نوشته شده است که وارد شویم

در این زمینه و فکر کنیم و به پیشین زراعت تریاک را چطور موقوف کنیم و قرض کنیم بهتر است در صورتیکه بطور کلی بنده با این فکر باور و در مذاکره مراجع باین موضوع مغالتم زیرا زراعت تریاک یکی از منابع مهم تروتهای این مملکت شمرده میشود و در عرض سال شاید از ۱۰۰ کرور انی بیست کرور بر صادرات مملکت بیفزاید و هیچ موجبی ندارد که ما فعلاً با قرف و فاقه عمومی وارد در این موضوع شویم .  
 اگر آقای داد و پیشنهادهای کرده بودند که وارد بشویم در این مذاکره و به پیشین بچه ترتیب . . .  
 شیروانی - زیادش بکنیم یاسائی - استعمال تریاک را در این مملکت قذف کنند که مردم آفین و مشتقات آنرا استعمال نکنند و اشخاص معناد را از این بلیه بچه ترتیب باید خلاص کرد .  
 بعقیده بنده خیلی بهتر از این پیشنهاد بود و با نظریه که ایشان دارند که کمکی با اقتصادیات این مملکت شده باشد این پیشنهاد کماکان با مقصود خودشان متناقض باشد زیرا که فلایکی از منابع ثروت این مملکت و یکی از ارقام برجسته صادرات این مملکت همان تریاک است که بخارجه حمل میشود که این تریاک را قذف بکنیم يك قسمت از عواید این مملکت و يك قلم مهم از صادرات این مملکت از بین رفته است .  
 یکی از موادی که ایشان در نظر گرفته اند این است که به پیشین خالصجات دولتی را اگر بفروشیم بهتر است یا بچال خود باقی بگذاریم و اگر بنای فروش شد بچه ترتیب بفروشیم .  
 بنده اساساً با فروش خالصجات مخالفم برای اینکه فروش خالصجات باعث میشود که املاک و علاقها هم که الان متعلق بدولت است از بین میرود و حیثیت و اعتبار اقتصادی که دولت دارد از بین میرود و وجوهائی که از این راه بدولت میرسد از عایدات دولت کم میشود .  
 بهلازه در تمام دنیای حاضر بیشتر متوجه هستند باینکه يك چیز هائی را جنبه عمومی بدهند و ما برعکس میخواهیم از دست دولت و حکومت خارج کنیم و بدهیم به دست اشخاص سرمایه دار چرا ؟  
 برای اینکه این املاک بفلاح و دهقان و زارع که نمیرسد و در بین آنها تجزیه و فروخته نخواهد شد زیرا استطاعت آنرا ندارند خریداری نمایند .  
 پس بر میگردد با شما بصیغه ثروت مندانه و ده قلم چهار قلم از این املاک راه کدام میگردند و بهمان وضع سابق باقی میماند زیرا که املاک از بابی هم در این مملکت در حکم املاک دولت است و اگر سوء جریانی در قسمت زراعت و فلاح خالصجات هست در قسمت املاک از بابی هم هست .

درجه اهمیت را دارد .  
 مردم گرسنه استطاعت اینک بپردازند .  
 یاسائی - بنده هم قائم این بود عریض من دیگر عرضی ندارم .  
 رئیس - آقای داد و (اجازه)  
 داد و - نماینده محترم که بعنوان مخالفت در موضوع پیشنهاد بنده مذاکره کردند شروع کردند باینکه بگویند در این پیشنهاد بیش از يك صده کلیات چیزی نیست .  
 بنا بر این محض اینکه دیگران هم این کلیات را گفته اند و میگویند لازم نیست وقت مجلس تلف شود البته اگر اوقاتمان را در مجلس صرف کارهای مهمی که در زندگی جامعه تأثیرات خوبی داشته باشد کرده بودیم در این هشت ماه و آنوقت این مسائل را تصدیق میکردیم که واقفاً اهمیت ندارد این ایراد خوب بود ولی متأسفانه تاریخ عملیات و مذاکرات و کارهای مجلس را همه ما همه مردم میدانند صورت جلسات حاضر است اگر ایشان را اطرشان رفته است ممکن است مراجعه بفرمائید و به بینند کمتر شده است که لااقل همین کلیات یا مسائلی از جنس این کلیات طرح شود و سعی کنیم که آنها را بجای برسانیم .  
 بعد شروع فرمودند بيك مسئله که عنوانش سیاست عادلانه بود یا بمبارت خاری حکومت عادلانه گفتند اول باید سعی کرد که عدالت صحیح امنیت تام در مملکت باشد بعد سعی کرد از برای مردم نان پیدا کرد .  
 بنده اینطور فهمیدم - در اینجا يك اختلاف عقیده بین من و ایشان در اصل موضوع عقیده ایشان که غالب سیاستمداران این مملکت بوده است این است که باید اول حکومت عادلانه برقرار کرد بعد مراجع به مسائل اقتصادی و زندگی مادی مردم صحبت کرد و تمام کشمکشها و زدو خورد ها و مراهماء و احزاب که از اول مشروطیت تا حال در این مملکت پیدا شده و بسوده نتیجه اش بالاخره باین مسئله رسیده که حکومت عادلانه پیدا کنیم و بعد شروع کنیم با اصلاحات .  
 اما عقیده بنده (که البته ممکن است کاملاً غلط باشد ولی در هر صورت چون يك عقیده ای است اجازه میفرمائید عرض کنم)  
 این است که باید معتقد شد که طرز حکومت و سیاست در هر مملکت تراوش و نتیجه اوضاع اقتصادی آن مملکت است .  
 این عقیده را نمیکند تصدیق یسا تکذیب کرد ولی دلایل بسیاری هست که اوضاع اقتصادی در زندگی جامعه اولین قضیه هست .

این بود که بنده از روزیکه بایران برگشتم باغلب سیاسیون آنروزی مملکت و در هر دوره با اشخاصی که راجع باوضاع سیاست صحبت میکردند بنده همیشه می گفتم و همیشه این عقیده را داشته و نوشته ام که این يك اشتباهی است که ما کرده ایم در این رویه که ما داشتیم .  
 سعی باینکه يك حکومت عادلانه داشته باشیم و بعد با اصلاح دست بزنیم .  
 این را خوبست زیاد دنبال نکنیم و شروع بکنیم باینکه از نقطه نظر علمی (نه از نقطه نظر سطحی خودمان) اوضاع اقتصادی را درست بکنیم و بعد از آنکه درست کردیم طبعاً يك قسمتهائی امروز رفع خواهد شد و هم اینک سهل تر میشود آنها را رفع کرد و گمان میکنم اگر آقای یاسائی توجه باین دلایل بنده بکنند خودشان تصدیق داشته باشند که مسائل اقتصادی در همان حکومت عادلانه خیلی مدخلیت دارد .  
 بهلازه بنده اصلاً هیچ نفهمیدم که نیات خوب سعی ها و عملیات صحیح در این موضوع اینک حکومت عادلانه در مملکت پیدا شود - تمام نمیگویم - اگر نصف آن عملیات - ده يك آن سعی ها - راجع باین شده بود که بیائیم برای این مملکت راه درست کنیم و کاری کنیم که نان برای مردم تهیه شود قطعاً و حتماً امروز اوضاع این مردم بیچاره بهتر بود و از برای ما میر میشد که از دولت و از حکومت بخواهیم در غالب نقاط مملکت ایران عدله های صحیح دایر بکنند .  
 تعلیم قضات بکنند قاضی تربیت بکنند حقوق کافی هم بدهند و بالاخره آن امنیت قضائی را .  
 (تصدیق میکنم که در مملکت ما آن امنیت نیست)  
 آن امنیت را ایجاد بکنند و آن امنیت را باید بدهند ولی بدیخته چون در این فکر نبوده ایم و چون وسائل را نداریم وقتی که راجع بموضوع عدله (دوتا خیلی درش صحبت کردند) اگر چه راجع بموضوع نبود ولی بگفتم (مهم است)  
 يك مذاکراتی میشود و وقتی که تذکر داده میشود که در فلان نقطه بکنند زیادی از مردم اشکالاتی دارند و برای اینکه مرجعی نیست همینطور مانده تازه میگویند بواسطه کافی نبودن بودجه نمی توانیم در آنجا شعبه عدله ایجاد و اداره کنیم .  
 خوب ، اشکال بودجه فقر مملکت و تمام حرفهای ما يك کلیاتی خواهد شد که عملی نمیشود .  
 پس این اختلاف عقیده در اصل قضیه هست .

برای رفع نواقص اساسی مسئله زراعت پیش گرفت نمیگویند باید زراعت تریاک دفعتاً از بین برد بنده اول بگویم که خودم این نظر را مخصوصاً دارم ولی در این پیشنهاد عقیده را ذکر نکردم .  
 این پیشنهاد يك رأی قطعی نیست که زراعت تریاک را فردا موقوف کرد بنظر بنده يك مسائلی که از نقطه نظر امور اقتصادی مملکت قابل توجه و اهمیت است دو قسم در این مسائل میشد کار کرد یکی اینکه بنده خودم و چند نفر دیگر بیائیم بدون مراجعه بدفاتر و ارقام و احصائیهائی (بهمان اصطلاحی که آنروز عرض کردم) همین طور دیدمی بنشینیم و اظهار عقیده کنیم و بگوئیم مثلاً زراعت تریاک را موقوف کنیم خوبست یا اینکه بد است یا در باب خالصجات فلان نظر را باید داشت نظر فروش را داشت یا نظر نگاهداری را يك قسم دیگر که پارامانهای دیگر مردم دیگر آنهاست که تجربه دارند در این قضایا رفتار کرده اند .  
 اینست که میآیند دولتشان را دعوت میکنند و مأمور میکنند که در فلان قضیه معین مثلا اگر مملکت ما راه آهن داشت در قضیه راه آهن حالا که نداریم آنها که دارند اینطور میکنند دولت را مأمور میکنند باینکه سعی کند وقت نماید تحقیقات بعمل آورد اطلاعات جمع آوری کند از زوری ارقام احصائیه ها ببینند راه آهن فلان نقطه را دولت امتیاز بدهد بکشند بهتر است یا فلان نقطه را بخرد و اداره کند صرفه دارد و بالاخره از برای اینکه تمام اطلاعاتیکه راجع بيك موضوع لازمست جمع شود و از زوری اطلاع صحیح رای داده شود درست است که ماعادت داریم باینکه دور بگردیم و بنشینیم و با فکر ساده قضایا را حل بکنیم و همیشه ما با استدلالات منطقی میتوانیم به نتایجی برسیم ولی در امور اقتصادی گمان میکنم که اگر از زوری اطلاعات کار شود بهتر است و چون در اینگونه امور بدون اطلاعاتی که مستند بواقع باشد حکم کردن آنطوریکه باید ممکن نیست و آن اطلاعات هم برای هر کسی دست نمیدهد بگفتم باینکه نفر نمیتوانند در امور اقتصادی اظهار عقیده بکنند .  
 اگر مملکت ما طوری بود که در هر يك از موضوعهای اقتصادی کتابهائی نوشته شده بود و اطلاعاتیکه برای هر يك از فقرات لازم است از زوری احصائیه هائی در ادارات بود و بالاخره بنده و جنابعالی میتوانستیم بآن کتابها رجوع کنیم و از زوری آنها مدار کی جمع کنیم میتوانستیم عقاید منظم علمی پیدا کنیم ولی چون این وسائل نیست و باید این اطلاعات را درست داشت تحصیل کرد بنده تصور کردم که ضرری ندارد بدولت پیشنهاد کنم اطلاعات برای ما تهیه کنند میفرمائید خیلی کلی است .  
 میگویند باید حتماً فلان ترتیب را

این کلی را شما يك مرتبه رای میدهید میروید با ادارات دولتی و در مسائلی که در آن پیشنهاد اظهار شده است تحقیقاتی می کنید .  
 راپرتهائی میدهند راپرت که اینجا آمد میروید بکمیسیون که معین شده است برای مسائل اقتصادی آن کمیسیون هم موافقت میکند و اطلاعات کسب میکند آنوقت راپرت مفصل جامعی راجع بهر دو موضوع آن تهیه و طبع میشود آنوقت شما هر وقت خواستید اظهار عقیده کنید با دلایل منطقی صرف اظهار نخواهید کرد و لااقل شما مستند با اطلاعات عملی هم هست و بالاخره از روی آن میتوانید بدانید خالصه را نگاهداریم بهتر است یا بفروشیم بنده نمیخواهم وارد جزئیات پیشنهاد شوم .  
 زیرا وقت زیادی خواهد گمان نمیکنم مجلس اجازه بدهد الا اینکه آقا راجع به قسمت تریاک اظهاراتی کردند و اشاره هم بخالصه نمودند در صورتی که بنده در پیشنهاد اظهار عقیده نکردم بودم حالا ناچار راجع باین دو قسمت تذکر مختصری میدهم .  
 آنچه که راجع بتریاک فرمودند نقض غرض است راست است که يك قسمت از عایدات این مملکت از بین میرود و گمان میکنم آقایان دیگر هم مستند که مخالفند و در خارج هم خودشان را جز مخالفین ثبت کرده اند .  
 چون موضوع همانطور که آقا گفتند در نظر اول بنظر مهم میآید و همچو تصور میشود که اگر زراعت تریاک از این مملکت برود حال مردم این مملکت از اینکه هست بدتر خواهد شد و عقیده من این است که اینطور نیست .  
 باز هم عرض میکنم پیشنهاد بنده این نیست که از بین برود ولی بنده میل دارم که عقیده خود را عرض کنم .  
 عقیده بنده این است که تریاک برای این مملکت مضر است .  
 کالزونی - تریاک كشی را منع کنید .  
 داور - بنده عرضم را میکنم ممکن است جنابعالی هم بعد دلایل تان را بفرمائید .  
 آقا میل دارید در اینگونه صحبتها سبقت بفرمائید و از آن نقطه نظر تجارتی مخالفید بنده هم شما را میشناسم لکن در وسط صحبت بنده ضرور نیست صحبت بکنید ما هم در وسط صحبت شما حرف نمی زنیم بعد بیائید اینجا هر چه بگوئید زراعت تریاک اگر از یک طرف از عایدات مملکت است از طرف دیگر سم قاتل است شما با وجود اینکه تریاک دارید نمیتوانید جلو گیری کنید که تریاک کشیده نشود یعنی با وجود داشتن تریاک جلو گیری از

کشیدن آن از مسائلی است که باید فقط حرفش را زد .  
 نباید خودمان را گول بزیم تشکیل اداراتی که از کشیدن تریاک جلو گیری کند مادام که تریاک زراعت میشود بی نتیجه است فقط از نقطه نظر مالیاتی شاید عوائدی برای دولت درست کند و به بهانه اینکه میخواهیم تریاک را منع کنیم عوائد مالیاتی تهیه بشود والا تریاک در این مملکت تریاک کس میآورد شاید شما باین مسئله اهمیت نمیدهید و این را كوچك میدانید ولی ملتی که يك قسمت اعطاش شیوه و تریاکی است روح و جان و اراده ندارد اگر این ملت را میخواهید بهمین طور نگاهدارید امید سعادت را باید در خاک کرد .  
 زراعت تریاک چیزی است که قائم مقام دارد چیزی است که میشود زراعت های دیگر جای آن گذاشت از قبیل زراعت توتون و غیره این مسائل هم مطالعه شده و بنده چون در اینگونه مسائل قدری تند هستم عقیده دارم که در فاصله مدت کمی و بلکه دفعه ای بیکار بشود ولی اگر دفعه نمیشود ممکن است در مدت بیشتری سال بسال شما این زراعت را در این مملکت کم کنید و جانشین آنرا از زراعت های دیگری درست کنید که صحیح باشد و بالاخره اگر با وجود این آقایان آنروزیکه اطلاعات جامع تری آمد آنروز عقیده پیدا کردند که خیر حتماً قطعاً باید تریاک زراعت بشود (و بعد اداره هم درست بشود برای اینکه جلو گیری بکنیم از کشیدن تریاک و آنوقت نتیجه اش این بشود که آن اداره شیره درست بکنند و بزور بردم بفروشند) و بر من هم غلبه کردند چون از روی اطلاع رای داده شده است يك چیزی است و اگر بالاخره شما توانستید در این مملکت این عقیده را امروز بیش ببرید و تازه سال دیگر هم بیش ببرید آنوقت باید از نجات این ملت مأیوس شد و باید گذاشت همه مردم شیره بشوند برای اینکه صادرات این مملکت زیاد بشود .  
 موضوع دیگر مسئله خالصجات است فرمودند در تمام دنیا سعی میکنند که چیز های عمومی داشته باشند بنده در هر صورت نمیخواهم صحبتی بکنم که شبهه بشود باین که بهانه بدست آمده که مسلك خودم را بگویم .  
 بنده نظرم این نیست که امروز سعی کنم در چیزی که پنجاه سال دیگر تازه این مملکت برای آن حاضر میشود سعی بکنم در ترتیباتی که عده از مردم این مملکت وقت خودشان را صرف آن میکنند و آن ترتیبات را در نظر میگیرند .  
 بنده باین معتقد نیستم و بنا بر این از نقطه نظر اعتقادی صرف در این قضیه نگاه میکنم .



بنده دولت را اینجا يك مالک می بینم و چون اساساً عقیده دارم باینکه دولت مالک بدی است میگویم فکر کنیم چه طرزى این امر اداره شود بهتر است.

بنده میگویم باید مطالعه کرد و بعضی مسائل را بالاخره روشن کرد.

اینکه راپرتهای جامعی در این خصوص داشته باشیم که خود دولت اداره بکند بهتر است یا طرز دیگر بهتر است؟ تجزیه لازم است که حتماً فروخته شود تجزیه بکند.

بخورده مالک تسلیم کند.

بنده نمیدانم هر شکلی که آن راپرت آمد بعد ما هم فکر میکنیم مطالعه میکنیم و اظهار عقیده میکنیم.

عجالتاً نباید وحشت داشت زیرا بنده پیشنهاد میکنم که فروخته شود یا بفلان ترتیب اداره شود.

بنده عرض میکنم تمام حرفهائی که زده میشود بالاخره راجع باین خواهد شد که عملی نیست خوب چه خواهد شد بنده چه میخواهم و از آقایان نمایندگان چه تقاضا دارم.

بنده فقط تقاضا میکنم مثل تمام حرفهائی که در اینجا می شود بالاخره بجائی نرسد این یکی را هم شما بناید و لولایتکه وقت تلف میشود دولت را مأمور کنید برای اینکار اطلاعات جمع کند چه ضرری خواهد داشت چهار ساعت حرف بزیم در اینکه وقت تلف خواهد شد؟ کمتر حرف بزیند و زودتر هم رای بدهید امروز بیش ترقت یک روز دیگر پیش میروید.

امروز نتیجه نداد بالاخره پنجاه سال دیگر نتیجه میرسد.

این بود عرض بنده پیش از این میخواهم مذاکره کنم.

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است.

**رئیس** - کافی است؟

**شریعتمدار دامغانی** - خیر کافی نیست.

**رئیس** - آقای دامغانی (اجازه)

**شریعتمدار دامغانی** - اساساً این پیشنهاد آقای داور یک کلیت است و علاوه بر اینکه حالا درمواش نمیشود موافقت یا مخالفت کرد تقریباً بمطالعه شبیه تر است تا پیشنهاد

زیرا همایش بطور تردید پیشنهاد شده است.

مثلاً پیشنهاد میشود که اگر قسمتی از خالصجات را بفروشیم بهتر است یا خیر.

پیشنهاد میشود که تسلیح و نگاهداری طرق بوسیله دولت بهتر است یا بتوسط شرکتهای تجارتنی مخارج تسلیح نگهداری

طریق مهمه.

نقشه تبدیل وسائل نقلیه قلمی یا تومبیلهای بارکش.

یا اینکه دولت خالصجات را بفروشد بهتر است یا خیر.

اگر صلاح در فروش خالصجات است چطور باید فروخته شود.

اینها تقریباً بمطالعه شبیه تر است تا پیشنهاد.

هیچ صورت پیشنهادی ندارد زیرا پیشنهاد باید بصورت عملی داشته باشد و مطالعه در اطرافش شده باشد و آنوقت بطور قطعی یک فکری را یکفکری بگیرد و پیشنهاد کند.

والا بطور تردید پیشنهاد کردن صحیح نیست و بنده اصلاً نمیدانم که باید موافقت کرد یا مخالفت.

زیرا بطور نفی و اثبات است و حالا مجالس چه باید بکند؟ و چطور باید رای داد؟

اگر رای بدهد باید مخالف بود یا موافق و این هر چه هست مطالعه هست و من گمان میکنم تصور موافقت یا مخالفت نشود کرد.

پس خوب بود ایشان یک تسمی از اقسام را از این به لولایت و از این نفی و اثبات اتخاذ میکردند و بطور قطعی پیشنهاد می کردند آنوقت درش مطالعه می شد و مجلس هم با موافقت یا به مخالفت یا بقبایل توجه بودند رای میداد و اینکه در ماده ۲ نوشته است:

(اصول مختلفه که فعلاً در نقاط مختلفه ایران سهم مالک و رعیت را معین میکنند. کدام يك از آن اصول بیشتر قابلیت تعمیم دارد؟)

بنده تصور می کنم که معامله رعیت و ارباب بهترین اسمش همان معامله مزاعره مرضی الطرفین است و این قسم هم قابل هیچگونه مطالعه و وقتی نیست.

زیرا طرفین هر طوریکه رضایتشان حاصل شد (یعنی خمس یا سدس بدهند همانطور رفتار می کنند، چنانکه فعلاً هم در مملکت مجری است و وسیله تشویق طرفین هم هست و برای رعیت بکار هم همان قسم مرضی الطرفین مؤثر تر است.

یکی هم راجع بزراعت تریاک است و بنده معتمد مادامی که درد موجود است دوا را نمیشود منع کرد.

مادامی که تریاک در این مملکت وجود دارد نمیشود تریاک را از این مملکت بیرون برد و اگر بنا بر این قاعده تریاک را باید کشت البته یکسرتبه که نمیشود کشت بایستی تریاک را اول معالجه کرد. آنوقت زراعت تریاک را ترک کرد و الا پنجاه هزار نفوس تریاک را نمیشود بمرض تلف انداخت و نتیجه این می شود که بر واردات ما افزوده شود. و تریاک از چین و هندوستان بیآورند

و یک مبالغه گزافی بفروشدند. و اینکه می فرمایند تریاک تریاک زیاد میکند این را بنده گمان میکنم اساساً اشتباه است. و اصلاً تریاک تریاک را جلب می کند. و اگر هم زراعت تریاک را ترک کنیم آنوقت البته باید از جاهای دیگر بیآورند و فایده اش را هم دیگران ببرند و این هم یک دردی می شود بالای همه و از دهه و یک واردی می شود بالای همه و از دهه و یک اول باید تریاک را معالجه کرد که تریاک از شرشان بیفتد آنوقت زراعت تریاک را فادغن کرد.

این پیشنهاد از نقطه نظر عمومی و خیلی بوقوع است ولی قدغن کردن تریاک از دو حال خارج نیست یا باید تریاک را از خارج وارد کرد یا باید تریاک را از بین برون کرد.

علی ای حال بنده اصلاً نمی دانم در اطراف این پیشنهاد باید اظهار موافقت کرد یا مخالفت.

برای اینکه تمام مواد این پیشنهاد بطور تردید است و مفادش هم مبنی بر این است که آیا باید اینطور کرد یا آنطور و در هر صورت عقیده بنده اینست که دولت باید بطور تحقیق و عملی یک پیشنهادی بکند تا در اطرافش مطالعاتی بشود.

(بعضی گفتند - مذاکرات کافی است. بعضی میگفتند - کافی نیست)

**رئیس** - رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات. آقایانی که مذاکرات کافی می دانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - اکثریت است.

دو فقره پیشنهاد رسیده است یکی از طرف آقای ضیاء الواعظین و یکی هم از طرف آقای محمد ولی میرزا ولی تکلیف پیشنهاد بر مطلب هنوز معلوم نشده است.

رای میگیریم بعود پیشنهاد آقای داور.

**ضیاء الواعظین** - نمی شود رای گرفت.

**رئیس** - چه فرمودید آقای ضیاء الواعظین - بنده میخواهم عرض کنم که در این موضوع آیامی شود رای گرفت یا خیر؟

برای اینکه نه طرح است نه لایحه بلکه یک مطلبی است که موافق جریان خودش بشعبه رفته و بمجلس برگشته و مورد مذاکره آقایان البته به همین طریقی که رضایت آقایان است دال بر اینست که باید بدولت تذکر داد و او را دعوت کرد برای مذاکره در این موضوع و بنده و گمان میکنم که مذاکره در این امر کافی باشد و بنده پیشنهاد کردم که اصلاً این پیشنهاد برود بان که سیون نشن نفی که آقای دولت آبادی چند روز قبل پیشنهاد کردند و مجلس هم تصویب کرد زیرا اساساً کمیسیون راجع به این

موضوع است و در آجا مورد مطالعه واقع شد و راپرت آن تقدیم مجلس میشود پس از آنکه راپرتش بمجلس آمد البته آقایان هم درش دقت میکنند.

بنابر این حال نمیشود رای گرفت **رئیس** - مادامی که مجلس رای ندهد بنده رسماً نمیتوانم بدولت چیزی بنویسم پس لازمست رای داده شود.

رای میگیریم پیشنهاد آقای داور را آقایانیکه تصویب میکنند بدولت تذکره داده شود قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - اکثریت است چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نبیسات مجدداً تشکیل گردید)

**رئیس** - راپرت کمیسیون فوائده عامه راجع بعلائم صنعتی مطرح است. ضمناً آقایان باید تشریف ببرند بیرون برای انتخابات کسری کمیسیونها

**آقای آقامیرزا شهاب الدین** (اجازه)

**آقای میرزا شهاب الدین** - در جلسه اسبق فرمودند که راجع با اکثریت برای انتخاب کمیسیونها معلوم نیست اکثریت حضار مناط است یا اکثریت رای دهندگان خوبست این موضوع مطرح شود معلوم باشد که حالا که برای کمیسیونها رای میدهند و همچنین در آتیه معلوم باشد تکلیف چیست؟

آیا عده حضار اکثریتشان مناط است یا عده رای دهندگان.

**رئیس** - این يك مطلبی نیست که حالا بتوانیم حل کنیم چون دولت کمیسیون نفت را هفت هفت روز است که خواسته اند تشکیل شود و چون عده اعضا کافی نبوده است تشکیل نشده.

عجالتاً چیزی که لازم است اینست که کسری اعضاء کمیسیون نفت باید امروز معین شود و همینطور کمیسیون عدلیه و نظام و داخله و آن مطلب را در یک موقع دیگر باید حل کنید.

کسری کمیسیونها، کمیسیون نقطه سه نفر عدلیه یک نفر نظام یک نفر معارف دو نفر داخله هم دو نفر

**آقای شیروانی** و آقای سید یعقوب هم باید تشریف ببرند بیرون برای استخراج آراء - آقای سردار فاخر (اجازه)

**سردار فاخر** - گویا کسری کمیسیون نفت چهار نفر باشد برای اینکه آقای حائری زاده هم مطابق شرحی که نوشته بودند استغفاء دادمانند.

**رئیس** - بنده که اطلاع ندارم از

استغفاء ایشان (بشرح ذیل قرائت شد)

**سردار فاخر** - اداره تقنینیه نوشته اند بکمیسیون

**رئیس** - آقای رئیس کمیسیون باید مطلع باشند

**مدرس** - بنده سکه اطلاعی ندارم شفاهماً اظهار می کردند ولیکن کتیباً اطلاعی ندارم

**رئیس** - پس سه نفر باید باشد انتخابات از حالا شروع میشود.

**آقای حاج میرزا عبدالوهاب** (اجازه)

**حاج میرزا عبدالوهاب** - بنده چون شنیده بودم که آقای حائری زاده استغفاء داده بودند خواستم عرض کنم که عده کسری پنج نفرند.

چون مطابق آن قانونی که از مجلس گذشت آقای صدر الاسلام مستعفی هستند و عوض ایشان باید معین شود

**رئیس** - آقای صوت السلطنه (اجازه)

**صوت السلطنه** - خواستم عرض کنم بنده هم از کمیسیون داخله استغفاء میدهم مقرر فرمایند سه نفر انتخاب کنند

**رئیس** - آقای سردار فاخر (اجازه)

**سردار فاخر** - آقای صدر الاسلام مستعفی نیستند برای اینکه تا بیستم میزان مرخصی داشتند از بیست و سوم میزان يك جلسه کمیسیون تشکیل شد بعد بواسطه اینکه عده ای از اعضاء این کمیسیون استغفاء دادند دیگر اکثریت پیدا نکرد و تشکیل نشد

اگر دو جلسه یا سه جلسه متوالی کمیسیون تشکیل میشد و ایشان بدون عذر موجه غائب بودند مستعفی بودند

ولی نه کمیسیون تشکیل شده و اینکه معلوم است ایشان عذر موجه نداشته باشند بنابر این بقیه بنده ایشان بعضی خودشان باقی هستند

**رئیس** - از طرف اداره مباشرت راجع بعذر موجه پیشنهادی خواهد شد وقتی که آن پیشنهاد آمد و این قبیل قضایا را روشن کردند تکلیف ایشان هم معین خواهد شد

عجالتاً باز کسری کمیسیونها را عرض می کنم:

کمیسیون نفت سه نفر کسری عدلیه یک نفر نظام یک نفر معارف دو نفر داخله هم دو نفر

**آقای شیروانی** و آقای سید یعقوب هم باید تشریف ببرند بیرون برای استخراج آراء - آقای سردار فاخر (اجازه)

**سردار فاخر** - کسری کمیسیون داخله دو نفر بود

**رئیس** - آقای صوت السلطنه هم استغفاء دادند

راپرت کمیسیون فوائده عامه راجع به علائم صنعتی قرائت میشود

تبصره - راجع به نقشهای ترکیبی شبیه ببقیههای مختلفه ایران که قبل از تصویب این قانون استعمال شده است در صورتیکه تا پنجاه ماه پس از تصویب این قانون بشت برسد اجازه داده خواهد شد

**رئیس** - مخالفی ندارد؟ (اظهاری نشد)

**رئیس** - پنجاه يك سال باید خوانده شود.

رای میگیریم تبصره ماده اول با تبدیل پنجاه به یکسال

عده برای رای کافی نیست (پس از چند دقیقه چند نفر از نمایندگان وارد شدند)

**رئیس** - رای گرفته می شود بتبصره ماده اول با تبدیل پنجاه به یکسال

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد

ماده هشت - در صورتیکه دارنده علامتی بخواهد علامت خود را بدیگری انتقال دهد باید بموجب اظهارنامه مراتب را با اطلاع وزارت تجارت رسانیده نام و نشان شخص جدید را ذکر و اجازه مخصوصی تحصیل نماید.

انتقال مزبور در ظهر ورقه صورت مجلس مذکوره در ماده پنج قید خواهد شد.

**رئیس** - مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر)

**رئیس** - رای گرفته میشود موافقین ماده هشت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد.

ماده هفدهم:

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده هفدهم - وزارت تجارت علامت صنعتی و تجارتنی اجازه داده شده و معلومات لازم و اعلانات و احکام قضائی راجع بآنها و بعلاوه قوانین و نظامات و عهود و غیره مربوط بعلائم صنعتی و تجارتنی را در قسمت مخصوص از مجله تجارت و فلاح و بطبع رسانیده انتشار خواهد داد.

تبصره - طبع و انتشار علامت صنعتی و تجارتنی تصویب شده نباید بیش از مدت شش ماه بتأخیر یفتد.

**رئیس** - رای گرفته میشود بماده ۱۷ آقایان موافقین قیام فرمایند.

اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد.

شور دوم هم تمام شد حال مذاکرات راجع بکلیات است.

**آقای یاسائی** (اجازه)

یاسائی - بنده با این قانون موافقت و مخالفتی ندارم الا اینکه با قسمت اختیاری بودنش مخالفم.

قوانینی که از مجلس شورای ملی میگذرد باید مجری شود بالاخره.

**رئیس** - آقا تأمل فرمایید.

**آقای غیر کمیسیون** تمام مواد مرجوعه را راپرت داده اند یا فقط دوسه فقره را؟

رهنا مغیر - سؤال را ملتفت نشدم.

**رئیس** - موادیکه مراجعه شده بود بکمیسیون يك و ۳ و هشت و دوازده و هفده بود تمامش را راپرت داده اند یا فقط سه ماده را؟

مغیر - بقیه قابل توجه نشد. و همان ترتیبی که در شور اول دوم تصویب شده بود باقی خواهد بود.

چون پیشنهادات در اینخصوص زیاد داده شده بود.

**رئیس** میبایستی نوشته شود که کمیسیون قبول نکرده است.

ماده سوم مطرح است.

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده سوم - هر تاجر و یا صنعتگر که بخواهد علامتی را بخود تخصیص دهد باید شخصاً و یا بوسیله وکیل ثابت الوکاله خود نقشه علامت مزبوره را باندازه حقیقی در ۳ نسخه با امضاء و مهر خویش بانضمام يك قطعه کلبه آن علامت و اظهارنامه متضمن جنس و نوع و طرح آعلامت را سامی و اوصاف اجناس که آعلامت روی آنها بکار خواهد رفت بوزارت تجارت تقدیم نماید.

اندازه علامت در هر حال نباید از یکمشر ذرع مربع زیادتر باشد.

تبصره (۱) - علامتیکه سابقاً معمول بوده اند هر گاه از يك عشر ذرع هم متجاوز باشند با رعایت ماده (۷) پذیرفته میشوند.

تبصره (۲) - نسبت باجناس جدیدی که در اظهارنامه دگری از آنها نشده است صاحب علامت در صورتی میتواند علامت خود را استعمال نماید که بموجب اظهارنامه جداگانه متضمن اسامی و اوصاف اجناس مزبوره مراتب را با اطلاع وزارت تجارت رسانیده اجازه تحصیل کند.

**رئیس** - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده خواستم تذکر بدهم با آقایان که وضع این قانون يك وظیفه سنگینی است چون قانون علائم صنعتی مکرر رفته است بکمیسیون و رایتهای مختلفه داده شده است از این نقطه نظر ارتباطات از دست رفته است اگر ممکن باشد آقایان نمایندگان اجازه بدهند راجع بتغییراتی که در آن شده است مواد در کمیسیون تنظیم شود بعد داخل در مذاکره شویم.

**رئیس** - اگر مقصود اینست که از دستور خارج شود باید پیشنهاد کنید.

مغیر - در این قسمت پیشنهاداتی که رسیده بود مطابق همان راپرتیکه اخیراً داده شده اگر آقای شریعت زاده توجه بفرمایند خواهند دید که دو سه موادی که درش پیشنهاد شده بود آنهایی که پیشنهادها راجع بان قابل توجه شده است راپرت داده شده با مراجعه باصل راپرت دوم که برای شور دوم داده شده بود و آنهایی که پیشنهادش قابل توجه نشده است راپرت هم داده نشده و نوشته شده:

بقید سواد همان است که در شور دوم بتصویب نمایندگان رسیده حالا میفرمایند از دستور خارج شود.

بعقیده بنده نباید این قانون را برای دوماده اینقدر معطل کنند و تمام قانونی که تدوین شده بواسطه يك موضوع جزئی بعهده تأخیر بیفتد.

**رئیس** - آقای تین پیشنهاد کرده اند که این لایحه از دستور امروز خارج شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

**رئیس** - آقایان وقتی بر کشتند رای میگیریم.

آقایانیکه تشریف میبرند برای انتخاب دو نفر دوقدر بفرمایند بهتر است.

(خطاب با آقای سردار فاخر) آقای تشریف نبرید تا آقایان تشریف بیآورند.

رای میگیریم پیشنهاد آقای تین برای خارج کردن لایحه علائم صنعتی از دستور امروز. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

- تصویب شد.

**آقای عراقی** از وزارت پست و تلگراف گویا سؤالی داشتند.

**حاج آقا اسمعیل عراقی** - سؤال بنده راجع بود بخسارتیکه متوجه اسدالله خان کردستانی شده است راجع بتبصره های هر خیام خواستم ببینم وزارت پست و تلگراف در این باب چه اقداماتی کرده اند که رفع آن خسارت بشود؟

معاون وزارت پست و تلگراف - در موقع کودتا اسدالله خان کردستانی تقاضای يك سوعرفتماری کرد.

کازرونی - سورشاز یعنی چه معاون وزارت پست و تلگراف - سورشاز یعنی يك مهری درست میکنند و روی تبر میزنند.

چون امتیاز تبر تا جگنداری راداشت تقاضا کرد که ده هزار سری از تبر تا جگنداری سورشاز بشود بتاريخ روز کودتا یعنی روزیکه کودتا شده (روز ۲۳ حوت) رئیس الوزراء وقت هم اجازه دادند. بعد از آنکه آقای سید ضیاء الدین رئیس - الوزراء منصرف شدند آقای قوام السلطنه که رئیس الوزراء شدند مخالف بودند با این تاریخ و عقیده شان این بود که این



تاریخ نبیستی بماند يك مقداری از این تمبرها منتشر شده بود

در داخله ایران ولی بخارج فرستاده شد بود چون تمبر وقتی قیمت پیدا میکند که در جریان گذاشته شود یعنی هم بخارج بهدتر بین المللی برن برود که تقسیم بممالک متعدده بشود وهم در ایران در جریان بیفتد آتوق رسمیت پیدا میکند والا تمبری که بجز این بیفتد رسمیت پیدا نمیکند.

قدغن کردند که این تمبر و این سورشازز موقوف شود.

تمام این تمبر آنچه که در پستخانه بود درجه گذارند من و موالتورا مأمور کردند که بروم آنرا مهر کنیم رقیب و مهر کردیم بعد از چندی که بنده دیگر در وزارت پست و تلگراف نبودم يك روزی مرا دعوت کردند که بیاید جعبه را که خودتان مهر کرده اید باز کنید. جمعی را دعوت کرده بودند.

رئیس پست وقت بودند وزیر وقت آقای وحید الملک بودند. کنل گری بودو جماعتی دیگر بنده را هم دعوت کرده بودند آن جعبه را با حضور ما باز کردند که ببینیم مهر ما است یا خیر.

درست هم بود.

بعد يك آتش درست کردند و این تمبرها را آتش زدند. فقط سیصد سری از تمبرها را بخودشان رد کردند بقیه را آتش زدند و عکس آنها هم افتاده است.

اسدالله خان کردستان در نتیجه این اقدام ادعای خسارت کرد که شایک تمبری را که دولت وقت بمن داده و ممکن بود از این راه يك نفعی بمن برسد (حالا دولت وقت خوب کرده یا بد بمن مربوط نیست) آتش زدید من خسارتم را میخواهم و در عوض این تمبر يك تصویب نامه از طرف ریاست وزراء وقت که آقای قوام السلطنه بودند صادر شد که آقای اسدالله خان يك هوسی بدهند و او تقاضا کرد که يك سورشازز بشود روی تمبرهای شیروخورشید قدیمی که سالها است از جریان افتاده بیاد کار قرن هشتم عمر خیام که مطابق میشود با هزار و نصد و بیست و سه فرنگی را برای این کرده بود که این تمبرها در فرنگستان خوب فروش برود و همین کارا کرده.

اجازه دادند و در تحت يك موادی قراردادی با او کردند که جبران سوزاندن آن تمبرها بشود اسدالله خان کردستانی رفت بفرنگ کیش را تهیه کرد و سورشازز را درست کرد و ده هزار سری تمبر شیر و خورشید را سورشازز کرد و هزار و پانصد سری را فرستاد بطهران و بقیه را خودش نگاهداشت که این مقداری که میفرستد بجز این بگذارند و آنچه را که باید بدتر بین المللی برن بفرستند بیکمقداری هم در ایران جریان پیدا کند تا رسمیت پیدا کند

وقیمت پیدا کند

بعد رئیس کل مالیه مخالفت کرد با این ترتیب و گفت این طرز غلطی است ما بهیئت دولت عرض کردیم هیئت دولت تصویب نامه صادر کردند که این عمل علی العجاله موقوف بماند تا بدعای اسدالله خان رسیدگی بشود.

مدتی است این تصویب نامه صادر شده یعنی از زمان کابینه رئیس الوزراء حاضر کابینه اولی.

تصویب نامه هم هست ولی وزارت مالیه برای رسیدگی بدعای ایشان حاضر نشود و موقع همین نمیکند چون اسدالله خان بوزارت پست و تلگراف بیآورد وزارت پست و تلگراف بوزارت مالیه نوشت و يك کمیسیون در وزارت پست و تلگراف معین شد و یکنفر نماینده هم از طرف وزارت مالیه معین شد و غلامرضا خان رئیس تمبر و باندرول هم آمد ولی اظهار کرد که من صلاحیت ندارم و کمیسیون را بهم زد و حاضر نشدند که اینکار را خانه بدهند و اسدالله خان هم هر روز ادعای خسارت میکند و مبلغ ادعایش هم خیلی زیاد است میگویی: یا تمبر را بمن بدهید یا خسارت و چون هزار و نصد و بیست و سه گذشته و حالا هزار و نصد و بیست و چهار است اصلا آن اثر هم از این تمبر رفته و اگر مدتی دیگر هم بگذرد اصلا قرن هشتم هم مورد ندارد بایستی در خود سال این تمبر بجز این بیفتد باز اگر در هزار و نصد و بیست و چهار بجز این میافتاد میشد يك صورتی با بدهد و بگوید تا رسیده است بممالک دور دست اینقدر طول کشیده والا تا چند ماه دیگر بگذرد این اثر هم از سلب میشود و او هم ادعای خسارت میکند.

تاریخ این بود که عرض کردم.

رئیس آقای یاسائی - (اجازه)

یاسائی- سؤال بنده از وزارت پست و تلگراف راجع بصورت دخل و خرج سنه ماضیه هزار و سیصد و دو بوده همه آقایان میدانند و ملاحظه فرموده اند که کسری عایدات وزارت پست و تلگراف تقریباً بالغ است بر چهار صد و چهل و دو هزار تومان و کسری این قانون را اجرا نکرده اند علاوه بر اینست که حقوق تقاعدی آنها را در حد اعلی کسر میکنند و صدی هشت از آنها میگیرند.

قانون را اجرا نکرده اند و آن استفاده هائی را که مأمورین باید از این قانون بکنند نمیکند ولی در مقام کسری حقوق تقاعدی و غیر ذلک حد اعلی کسر میشود و هیچک از مستخدمین آن وزارتخانه در درجات حقوق شان مطابق قانون استخدام نیست و گفته میشود که اگر تطبیق بشود در درجات و مراتب مأمورین پست و تلگراف با قانون استخدام يك مبلغ هنگفتی بر مخارج اضافه خواهد شد و موازنه بودجه ازین میروید.

را مجری کرده اند و عوائد را بجز آنه تحویل داده اند جز وزارت پست و تلگراف که يك اشکال تراشی هائی میکنند.

سؤال دوم بنده راجع بمطالبات یکمده تجار و اشخاص متفرقه است از اداره حمل و نقل که چندین سال است يك اشخاصی مخصوصاً در حدود سمنان و دامغان مطالباتی دارند و تا کتون وزارت پست و تلگراف تصمیمی نگرفته است.

برای پرداخت مطالبات آنها و جواب مقتضی نداده است و این مطالبات البته در نتیجه معاملاتی است که ادارات حمل و نقل با اهالی نموده اند و استفاده بکده سورجی و بهتر که آنها پنج ماه شش ماه آمده خدمت کرده اند و بآنها حقوق داده نشده است از کسرتگی ناچار شده اند و دست از خدمت برداشته اند و رفته اند و در نتیجه آن سرمایه که داشته اند از دستشان رفته است در صورتیکه قبوض رسمی دولت هم با امضاء اداره حمل و نقل در دست آنها هست و هر چه استفاده و نظم میکنند بمقامات مربوطه و مجلس شورای ملی منتهی بجائی نشده آقای رئیس الوزراء هم کرازا فرموده اند که ترتیبی برای تأدیة این قروض بدهند و تا کتون نتیجه ظاهر نشده.

خواستم از معاون وزارت پست و تلگراف سؤال کنم که در این باب چه تصمیمی گرفته اند؟

آیا در جزء دیون عمومی و قروض در بودجه هذمه السنه منظور شده است یا نه؟ و گویا بالغ بر شصت هفتاد هزار تومان میشود آیا تصمیمی اتخاذ کرده اند؟

سؤال سوم بنده راجع بمدم اجراء قانون استخدام است

در زارت پست و تلگراف که کرازا بنده در اینجا عرض کرده ام و بعضی از آقایان وزراء هم تکذیب کرده اند در صورتیکه بنده نمیتوانم این تکذیب را تصدیق کنم زیرا همه میدانند که علاوه بر اینست که در وزارت پست و تلگراف مجری نشده است و کاملاً بر علیه اجزاء وزارت پست و تلگراف تمام شده است و علاوه بر اینکه این قانون را اجرا نکرده اند عجب در اینست که حقوق تقاعدی آنها را در حد اعلی کسر میکنند و صدی هشت از آنها میگیرند.

قانون را اجرا نکرده اند و آن استفاده هائی را که مأمورین باید از این قانون بکنند نمیکند ولی در مقام کسری حقوق تقاعدی و غیر ذلک حد اعلی کسر میشود و هیچک از مستخدمین آن وزارتخانه در درجات حقوق شان مطابق قانون استخدام نیست و گفته میشود که اگر تطبیق بشود در درجات و مراتب مأمورین پست و تلگراف با قانون استخدام يك مبلغ هنگفتی بر مخارج اضافه خواهد شد و موازنه بودجه ازین میروید.

بنده عرض میکنم اگر باید تبعیض قائل شد این يك اصلی است ولی اگر ما منکر تبعیض شدیم و گفتیم تمام مأمورین دولت در برابر قانون استخدام مساوی هستند دیگر تبعیض نباید قائل شد و همه از حق خودشان باید استفاده کنند.

یعنی اگر عوائد مملکت کفایت میکند حقوق بیشتری بمستخدمین بدهند و اگر نمیکند کمتر

کما اینکه در سنه گذشته حقوق درجه اول خدمت را اقرار دادند سی و دو تومان و از قرائی که شنیده ام حالا قرارداده اند سی تومان و چندان هم اشکال ندارد این قانون وضع شد برای اینکه اگر یکسال عایدات کسرو نکس داشت بآنها حقوق کمتر داده شود.

بهر حال چه مجوزی بنظر میرسد که این قانون در وزارت پست و تلگراف (با اینکه مستخدمینش بیش از سایر ادارات زحمت میکنند) اجرا نشده؟

خواستم سؤال کنم مانع اجرای این قانون در آن وزارتخانه چیست؟

**معاون وزارت پست و تلگراف-**

سؤال اول آقای راجع بعایدات سنه ماضیه بود اگر خاطر مبارکشان باشد در چندی قبیل این سؤال را شاهداده مخفم فرمودند و بنده جواب دادم حالا باز تکرار میکنم صورتی را که رئیس کل مالیه داده اند موافق با واقع نیست.

بمدار آنکه بنده آن روز در مجلس عرض کردم خودشان دو نفر نماینده فرستادند در وزارت پست و تلگراف و مدتی رسیدگی کردند و معلوم شد بنده صحیح عرض کردم عایدات ما خیلی بیشتر از این بوده که ایشان صورت دادند و عذری که داشتند بود که چون رایزرت را قبل از اینکه تمام صورتهای ولایات برسد و عایدات کاملاً معلوم شود طبق و نشر کردیم باینجهت کمتر صورت داده بودیم و بنده صورتش را جزاً آورده ام اگر باهت تصدیق باشد یکی یکی عرض میکنم.

تلگرافخانه هشتصد و پنجاه و پنجاه هزار تومان عایدات در بودجه سنه ماضیه پیش - یعنی کرده بود و هشتصد و چهار هزار تومان عایدتی داشته بملاوه هفتاد و پنجاه هزار تومان حساب ترمینال تلگرافخانه انگلیس داشته که در سنه ماضیه بحساب آورده بودند ولی در سنه حالیه حساب مفروغ نشده است تلگرافخانه شصت هزار تومان علاوه بر آنچه صورت داده است عایدات داشته.

در سنه گذشته پست خانه هشتصد و هشتاد هزار تومان صورت داده و هشتصد هزار تومان عایدات دارد و هشتاد هزار تومان کسردار در چرا کسردار؟

برای اینکه در صورت عایدات اگر ملاحظه بفرمائید يك قلم ملاحظه اضافه کس را کرده است.

در دوره چهارم از طرف وزارت پست و

تلگراف پیشنهاد شد بمجلس شورای ملی برای اضافه تا کس که تا کس پست را زیاد تر کنند و سیصد دینار راده شاهی کنند و همین ترتیب سفارش ها و غیره را ولی تصویب نشد.

وزارت پست و تلگراف وقتی بودجه سنه ماضیه را میدهد بصورت اینکه آن پیشنهاد تصویب خواهد شد يك مبلغی هم برای خرج این مسئله پیش بینی کرده بود ولی تصویب نشد پس آن جزء عایدات نیست و از عایدات کسر میشود.

يك مبلغی هم برای راه روسیه که اگر راه روسیه باز میشد کلی پستال و محمولات پستی که از آن راه بمآمد يك عایداتی داشت آنها هم نشد.

پس هشتاد هزار تومان کسری اداره پست برای این در قلم است و اگر این دو قلم میرسد پیش از هشتاد هزار تومان میشود و حالا باید آن قلم را موضوع بفرمائید.

در بودجه اداره حمل و نقل چهارصد و شصت هزار تومان عایدی مینویسد اما اگر مراجعه بجزئیاتش بفرمائید شصت هزار تومان پولی است که میخواست دستی از اداره پست بگیرد.

یعنی اداره پست ماهی پنج هزار تومان بدارد حمل و نقل کمک کند.

اداره مالیه رد کرد که این عایدات معنی ندارد و از این جیب بآن جیب است که شصت هزار تومان اداره پست بدارد و حمل و نقل بدهد و اداره حمل نقل این را جزء عایدی بنویسد.

پس این شصت هزار تومان موضوع نداشت میان چهار صد هزار تومان در مقابل چهار صد هزار تومان دو پست و شصت هزار تومان عایدی داشته و صد و چهل هزار تومان کسرداشته و این کسری برای این است که اداره حمل و نقل پارسال از اول تا آخر سال سه چهار صد بودجه داشت.

اول سال گفته سیصد و سی هزار تومان بعد سیصد و ده هزار تومان بعد در عقب گفته سیصد و هشتاد هزار تومان بالاخره در برج دوا دوا مالیه مینویسد دو پست و نود و شش هزار تومان در مدت ده ماه این اداره تکلیفش معین نبوده در ماه با دهم سال مینویسد دو پست و نود و شش هزار تومان پس اداره حمل و نقل مجبور بوده است بکفتری جرح و تعدیل بکنند و باید اقداماتی بکنند اقداماتی هم این بوده که يك مقداری از اسب و اثاثیه اش برای تعادل بودجه کسر کرد.

باین تناسب از عایدات او کسر شد بالاخره صد و چهل هزار تومان از عایدات حمل و نقل بواسطه این بی ترتیبی کسر شده و اداره حمل و نقل هم باین ترتیبی که پیش میرود هر سال عایداتش کمتر و روز بروز بدتر میشود.

برای اینکه آنوقت که اداره حمل و نقل يك عایداتی داشت راه خانقین اتومبیل نداشت.

ولی حالا که اتومبیل دارد البته کسی اتومبیل را نمیکند و بیایه سوار کاری بشود و دولت در نظر دارد که راه خانقین را بکلی موقوف کند و کنترا ت بدهد و فقط بماند راه خراسان و این عایدی هم از راه خراسان است پس اداره حمل و نقل صد و چهل هزار تومان باین حساب کسر داشته وهم کمتر نشود چون حمل و نقل با کاری بعد از این کمتر خواهد شد.

ویکی هم فرمودید تسلیم عایدات بخزانه اولاً دوسه مرتبه در سنه ماضیه این کار مکرر شد و بمدم معلوم شد که زحمت زیاد دارد و باید عایدات در اداره مصرف شود.

باز دوسه مرتبه عایدات را اداره مصرف کرد بالاخره امروز هم از اول میزان دست بعایدات زده شده و عایدات تسلیم بخزانه میشود و هنوز هم حقوق برج میزان داده نشده.

وزارت پست و تلگراف غیر از سایر وزارتخانه ها و ادارات است اداره پست را نمیشود در حقوق داد.

اداره که تلگرافچی باید بشب تصبیح کار کند (با اینکه حقوق کمتر دارد و در نقاط دور بیاز نزدیک است)

البته تصدیق مینویسد که نمیشود گفت معنی ندارد و از این جیب بآن جیب است که شصت هزار تومان اداره پست بدارد و حمل و نقل بدهد و اداره حمل نقل این را جزء عایدی بنویسد.

پس این شصت هزار تومان موضوع نداشت میان چهار صد هزار تومان در مقابل چهار صد هزار تومان دو پست و شصت هزار تومان عایدی داشته و صد و چهل هزار تومان کسرداشته و این کسری برای این است که اداره حمل و نقل پارسال از اول تا آخر سال سه چهار صد بودجه داشت.

اول سال گفته سیصد و سی هزار تومان بعد سیصد و ده هزار تومان بعد در عقب گفته سیصد و هشتاد هزار تومان بالاخره در برج دوا دوا مالیه مینویسد دو پست و نود و شش هزار تومان در مدت ده ماه این اداره تکلیفش معین نبوده در ماه با دهم سال مینویسد دو پست و نود و شش هزار تومان پس اداره حمل و نقل مجبور بوده است بکفتری جرح و تعدیل بکنند و باید اقداماتی بکنند اقداماتی هم این بوده که يك مقداری از اسب و اثاثیه اش برای تعادل بودجه کسر کرد.

باین تناسب از عایدات او کسر شد بالاخره صد و چهل هزار تومان از عایدات حمل و نقل بواسطه این بی ترتیبی کسر شده و اداره حمل و نقل هم باین ترتیبی که پیش میرود هر سال عایداتش کمتر و روز بروز بدتر میشود.

برای اینکه آنوقت که اداره حمل و نقل يك عایداتی داشت راه خانقین اتومبیل نداشت.

الان که عایدات دست نمیشود باید جواسبر را داد و اگر نباید داد و طور دیگری است بنده عقلم نمیرسد

یکی هم فرمودند در رایزرت رئیس مالیه راجع بمخارج وزارت پست و تلگراف نوشته است بنده در هفت ماه پیش این مسئله را تکذیب کردم و از ایشان خواهش کردم که خودتان تکذیب بکنید و اگر تکذیب نکنید بنده خودم تکذیب خواهم کرد.

اینکه نوشته اند يك میلیون و هشتصد و پنجاه هزار تومان خرج کرده ایم بنده تکذیب میکنم و عرض میکنم از مبلغی که برای سنه ماضیه تصویب شده است هیچ تجاوز نکرده ایم بلکه کمتر هم خرج کرده ایم و خرجها هم که در سال یکدفعه باید بشود و ماهانه نیست آنها هم نشده مثل تعبیرات که نشده است و موقش هم میکنند.

بنده این رایزرتها را تکذیب میکنم و بخودشان هم رسانا نوشته ام.

فرمایش دیگر ایشان راجع بمطالبات حمل و نقل بود.

مطالبات حمل و نقل دولتی صحیح است از سنوات سابقه مطالبات حمل و نقل مبلغی بود و يك تبوضی هم در دست مردم بود و این پیش آمد را هم بنده تصدیق میکنم که خیلی بد شده ولی سابقاً که عایدات در دست وزارت پست و تلگراف بود قروض خودش را مرتباً از عایدات میداد از سال قبل اگر بدهکار میشد از عایدات سال بعد میداد.

ولی حالا نمیتواند اینکار را بکند زیرا ممکن نیست از عایدات تنگ و ژیل بحساب این تیل بزینم و خلاف قانون است باین جهت وزارت پست و تلگراف معطل مانده.

ولی با مالیه مذا کره کرده ایم اداره مالیه هم جزء دیون دولتی این قروض را آورده.

در چند روز قبل بنده را در کمیسیون عرایض احضار کرده بودند حاضر شدم آنجا مذا کرات خیلی شد و قرار شد يك لایحه بخصوص از طرف وزارت مالیه بتوسط وزارت پست و تلگراف بمجلس تقدیم شود که این قروض حمل و نقل دولتی را از دیون عمومی خارج کنند.

زیرا آنها اقلام زیادی است و مبلغش هم خیلی زیاد است.

ممکن است باین زودیا تادیه نشود ولی این خیلی زیاد نیست و طلب کاران هم يك اشخاصی بیچاره مثل سورجی بهتر تعلبند و غیره از این قبیل هستند.

يك کسی جو داده که داده و خیلی هم سخت است که پولش را نگیرد و قبل از اینکه مجلس بشود یکی از آقایان از بنده پرسید عرض کردم این لایحه ممکن است چند روز دیگر تقدیم مجلس شورای ملی شود همینقدر که مجلس تصویب کند باید داده شود.

فرمایش دیگر آقا راجع بود اجرای قانون استخدام کفرمودند.

مقصود از قانون استخدام چیست؟ مقصود رساندن حقوق حقه مستخدمین است بآنها مطابق اشل.

اگر مقصود اشل است که مرتباً این ترتیب داده شده و تمام حقوق هائی که در وزارت پست و تلگراف داده میشود از روی اشل است و الان بودجه که در کمیسیون بودجه حاضر است تمام از روی اشل است.

سی و دو و چهل و دو پنجاه و دو شصت و هفت و هشتاد عین مبلغی است که قانون معین کرده است و خارج از قانون بکسی حقوق داده نمیشود.

ولی همانطور که فرمودید نکته اینجا هست و آن اینست که وزارت پست و تلگراف چون خیلی قدیمی تر از سایر وزارتخانه ها است.

اشخاصی در این وزارتخانه هستند که ۶۰ سال و ۷۰ سال هر دارند و اعضای این جا همه قدیمی هستند و چهل و پنجاه سال مدت خدمت دارند و خیلی هم اجزای وزارت پست و تلگراف تشکر میکنند.

از این سوائی که آقا فرمودند و وقتی میشود حقوق حقه آنها را داد که بودجه را محدود نکنند وقتی که محدود میکنند و يك اداره را که در تمام ولایات و نقاط مملکت تا سیاست دارد میکوبند در روی یک میلیون و فلاقتدر بودجه بنویسد دیگر بیشتر بشما نمیدهیم ما هم مجبوریم که از آنها بزینم یعنی بيك کسی که حق دارد حقوق رئیس اداره را بگیرد باید بگوئیم حقوق مدیر دایره بگیرد همینطور کرده ایم.

در تمام وزارت پست و تلگراف يك مدیر کل بیشتر نیست.

در تمام وزارت پست و تلگراف دو حقوق رئیس اداره بیشتر داده نمیشود بيكی رئیس کل پست و بيكی رئیس کل تلگراف.

با اینکه تمام جاها رؤسا داریم در ایالات خراسان و آذربایجان رؤسای ایالتی داریم رؤسای ایالتی مثل رئیس تلگرافخانه خراسان حقوق مدیر اثره میکوبند و همین نسبت است سایر مستخدمین.

پس این بواسطه ضیق بودجه است بواسطه نداشتن محل است.

خیلی ما ممنونیم که يك بودجه باز با بدهند که حقوق اشخاص از روی رتبه آن هانوشته شود.

ولی باین جهات نمیتوانیم بدهیم همین بودجه راهم که کم معین کرده ایم اگر بدهند وسعت گیری نکنند و این هشتاد هزار تومان را که بنا بود اضافه بدهند و ندادند باز اگر داده میشد تا در جرح رعایت حال مستخدمین بعمل میآید و ما هم ممنون بودیم.

سؤال دیگر آقا راجع بعقوق نقاد بود.

راجع بحقوق تقاعد که فرمودید ما حقوق تقاعدی چیزی نمیدهیم و مربوط بما نیست که چه چیزی کم کنیم حقوق تقاعدی و مستمری با مالیه است و با اینکه مجلس شورای ملی تصویب کرده است هنوز چیزی داده نشده است.

اما از حقوق اشخاص چراسدی هشت کم میشود چون تادوسیه پرسنلی اشخاص بمالیه نرود در آن دقت نکنند آن کسرحقه را قبول نکنند.

پارسال مالیه قرار گذاشت که از همه صدی ۷ ونیم کسر شود تا هر کس دوسبه اش رفت بمالیه و رسیدگی شد مطابق حقش کسر شود همینطور ممتدرا کسرتاده شده آنتهایی که بمالیه رفته موافق قانون حقتان کسر میشود یعنی صدی شش صدی ۵ ونیم ولی آنتهاییکه دوسبه شان بمالیه نرفته است باید ممتدرا تکمیل شود که موافق قانون کسر شود اگر از کسی هم زیاد بگیرند بعد با او حساب خواهد شد ولی در وزارت پست و تلگراف غالباً باید صدی ۷ ونیم بدهند برای اینکه سابقه خدمت شان بقدری زیاد است که باید صدی ۷ ونیم کسر شود با آن صدیک معاف صدی ۸ ونیم میشود.

رئیس - آقایانیکه رأی نداده اند تشریف ببرند رأی بدهند اگر اجازه می فرماید جلسه ختم شود

**جمعی از نمایندگان - صحیح است .**

رئیس - جلسه آتیه روز یکشنبه ۳ ساعت ونیم وقبل از ظهر .

**بعضی از نمایندگان -** عده کافی نیست که رأی گرفته شود برای ۳ قبل از ظهر موضوع مذاکرات اولاً راپرت کمیسیون عدلیه راجع باختیارات آن کمیسیون .

ثانیاً راپرت کمیسیون تجارت راجع بملائم صنعتی

ثالثاً بیسنهاده شاهزاده شیخ الرئیس .

رابماً راپرت کمیسیون مبتکرات راجع بطرح آقای دامغانی .

آقای داور (اجازه)

**داور -** بنده در دستور عرض داشتم . رئیس - بفرمائید

**داور -** بنده میخواستم عرض کنم که

۳ راپرت در کمیسیون قوانین مالیه تهیه شده بود یکی راجع است بمالیات برعایدات خواستم تقاضا کنم راپرت مالیات برعایدات جزء دستور جلسه آتیه شود

رئیس - اگر وقتی باشد در درجه پنجم راپرت کمیسیون قوانین مالیه راجع بمالیات برعایدات .

آقای شریعتمدار (اجازه)

شریعتمدار - عرضی ندارم

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

**محمودولی میرزا شیخ الرئیس -** عرایض بنده گفته شد

رئیس - آقای محمودولی میرزا . (اجازه)

**محمودولی میرزا -** خواستم عرض که لایحه عوارض ورودی بلدی که

راپرتش از کمیسیون قوانین مالیه داده شده بود چه دستور جلسه آتیه شود

رئیس - گویا هنوز کمیسیون قوانین مالیه جدید راپرت نداده است

**محمودولی میرزا -** همان راپرت کمیسیون قوانین مالیه سابق راجعه دستور قرار بدهند .

رئیس - راپرت کمیسیون سابق را نمیشود مطرح کرد

آقای سرکشیکزاده (اجازه)

سرکشیکزاده - فعلاً عرض ندارم (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤمن الملك

منشی - علی اقبال الممالک

منشی - معظم السلطان

**جلسه ۷۶ صورت مشروح مجلس**

**یوم یکشنبه دهم عقرب ۱۳۰۳ مطابق چهارم**

**ربیع الثانی ۱۳۳۴** مجلس دوساعت و یک ربع قبل از ظهر بریاست آقای سهام السلطان

نایب رئیس تشکیل گردید صورت مجلس یوم پنجشنبه هفتم

عقرب را آقای اقبال الملك قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای صولت السلطنه (اجازه)

**صولت السلطنه -** بنده اجازه داشتم مرا جزء غائبین بی اجازه نوشته اند .

نایب رئیس - تحقیق میشود . آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

**حاج میرزا عبدالوهاب -** بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم .

نایب رئیس - آقای میرزا یدالله خان (اجازه)

**میرزا یدالله خان -** بنده در صورت مجلس عرضی ندارم .

نایب رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست ؟

(گفته شد . خیر)

نایب رئیس صورت مجلس تصویب شد . آقای مدرس (اجازه)

مدرس - امروز مبنای بنده براین است که یک تذکری به آقایان و کلاه

نمایندگان بدهم نسبت باوضاع خودمان که ما